

ادوارد براون، ایران‌شناس انگلیسی (۱۸۶۲ - ۱۹۲۶م) که عمده شهرتش در ایران به خاطر تألیفات ادبی وی است، آثار قابل توجهی نیز در «تاریخ سیاسی و مذهبی ایران معاصر» به رشته تحریر درآورده است. کوشش‌های براون در راه شناخت فرق بایبه و بهائیه منجر به تألیفاتی در این رابطه گردیده است. براون در تاریخ سیاسی ایران بیشتر علاقه‌اش را متوجه تاریخ نهضت مشروطه نموده، تألیفات عمده‌اش در این زمینه عبارت‌اند از: شرح مختصری از وقایع ایران، بحران دسامبر ۱۹۱۱، انقلاب ایران ۱۹۰۹ - ۱۹۰۵، حکومت وحشت در تبریز و نقش انگلستان، مطبوعات و شعر جدید در ایران، نهضت مشروطیت ایران در گزارش‌های فرهنگستان بریتانیا.

یکی از مهم‌ترین این آثار، کتاب انقلاب ایران ۱۹۰۹ - ۱۹۰۵ می‌باشد که در سال ۱۹۱۰ تألیف شده است. این کتاب به بررسی وقایع سیاسی ایران، مقارن با ایام مشروطه به استناد گزارشات و اخبار موجود می‌پردازد.

این کتاب از همان آغاز، مورد توجه علاقه‌مندان قرار گرفت و بارها تجدید چاپ شد. نخستین بار در ایران به سال ۱۳۲۹ ش. توسط احمد پژوه به فارسی ترجمه و توسط انتشارات معرفت منتشر شد. چاپ دوم کتاب به سال ۱۳۳۸ ش. برمی‌گردد. بالاخره در سال ۱۳۷۶ ش. نیز، ترجمه‌ای دیگر از این کتاب، توسط خانم مهری قزوینی با عنوان انقلاب مشروطیت ایران از سوی انتشارات کویر چاپ و عرضه گشت.

ترجمه سابق اگر چه به لحاظ فنی دقیق بود اما به دلیل وجود پاراهای نقایص، ترجمه و چاپ جدید کتاب، کاری لازم و در خور شمرده می‌شد. چرا که اولاً نثر ترجمه پیشین سلیس و روان نبوده و الفاظی که مترجم جایگزین ساخته بود، الفاظی غریب و ثقیل. حداقل برای خوانندگان امروزی - به شمار

می‌رفت. ثانیاً مترجم در توضیحات و پاورقی‌های خود چنان افراط کرده بود که هم مطالب کتاب و هم ذهن خواننده راه دچار گسست می‌نمود. به طوری که گاه چند صفحه متوالی را به زیرنویسی اختصاص داده که ربط چندانی هم به موضوع مطلب براون نداشت. مثلاً هنگامی که مؤلف در توصیف صفات نیک ایرانیان از نمونه‌هایی چون بابک، مزدک، زردشت و... نام می‌برد، بلافاصله مترجم سخن را قطع و چند صفحه‌ای را به ذکر تاریخ زندگی، اقدامات و عقاید هریک از آنها اختصاص می‌دهد. علاوه بر این عامل دیگری که باعث حجیم شدن ترجمه گشته، اضافه کردن سه ضمیمه طولانی تحت عنوان یادداشت‌های مترجم (در حدود صد و پنجاه صفحه) بود. بسیاری از مطالب این ضمیمه، ارتباطی با موضوع اصلی کتاب نداشته و گاهی حوادث دوره سردار سپه را نیز شامل می‌شد. و بالاخره اینکه کتاب را باید محصول مشترک ادوارد براون با احمد پژوه دانست که فقط به تاریخ وقایع مشروطه محدود نشده، بلکه مطالبی از تاریخ ایران باستان، معاصر و دوره‌های دیگر را نیز دربر دارد.

اما کتابی که به سال ۱۳۷۶ ش. چاپ شد فاقد بسیاری از ویژگی‌های چاپ فوق است. اثر مذکور دارای نثری روان و امروزی است. یادداشت‌های مؤلف، تمام و کمال در پاورقی آورده شده و منابع و مأخذ عیناً نقل گشته است و از حجمی برابر با متن اصلی برخوردار است. با این همه پاراهای ایرادات نیز بر آن وارد است که به کار مترجم بازمی‌گردد. مثلاً در صفحه ۱۱۳، عین‌الدوله را به اشتباه امین‌الدوله آورده و در صفحه ۱۱۴ همان اشتباه را دوباره تکرار نموده است؛ یا در صفحه ۱۵، نبرد محرمه را که در سال ۱۸۵۷ واقع شده نبرد عمره ترجمه کرده و یا در صفحه ۲۷۷ کنسول بریتانیا را ماورث نامیده که در اصل هوارث (Howarth) است. خوشبختانه تعداد این اشتباهات، اندک بوده و در چاپ‌های بعدی قابل

اصلاح است (به رغم اصل و ترجمه پیشین کتاب) ایراد دیگر کتاب، نداشتن نمایه اسامی است. لازم به ذکر است: براون که هشتاد سال پیش اثر خود را به نگارش درآورده به ضرورت این مسأله واقف بوده و فهرست اسامی را در پایان کتاب آورده است. اینک به معرفی کتاب براون و بررسی محتوای آن، براساس ترجمه اخیر می‌پردازیم.

هدف و روش براون در تألیف این کتاب:

ادوارد براون، کتاب خود را در درجه نخست برای آگاهی و استفاده هموطنان خویش از تحولات جدید ایران و تأثیر بر نگرش آنها نسبت به این کشور نگاشته است و بعد برای ایرانیان. براون هدف خود از نوشتن این کتاب را چنین بیان می‌کند: «... ندایی آمرانه مرا واداشت تا آنچه را ولو اندک در توان دارم، جهت برانگیختن قدری همدردی در هموطنانم نسبت به مردمی که به زعم من تاکنون کمتر از آنچه سزاوارند دریافت داشته‌اند به کار گیرم. تعصبات و اغراضی قدرتمند علیه آنان وجود داشته و از انگیزه‌ها و اهداف ایشان نیز درکی ناصواب صورت گرفته است.»

براون در یک جمله این درک ناصواب را به خوبی بیان می‌دارد که نظر و عقیده اکثر مردم انگلستان در مورد شخصیت ایرانی متأثر از کتاب حاجی‌بابای اصفهانی است. «کتابی که به نظر او به نحوی بی‌رحمانه و غیرمتصفانه در مورد ایرانیان قضاوت کرده است.»

پذیرفتن تصویری اینچنین برای کسی که به عظمت فرهنگی ملت ایران آگاهی داشته و شیفته زبان و فرهنگ ایرانی بوده و به گفته خود، «از سن هجده سالگی تا این زمان که به سی سال بالغ می‌شود روزی نبوده که به زبان فارسی سخن نگفته، چیزی نخوانده و نوشته باشد»، دشوار می‌نموده است.

نقد و بررسی کتاب

انقلاب مشروطیت ایران

○ رسول عربخانی

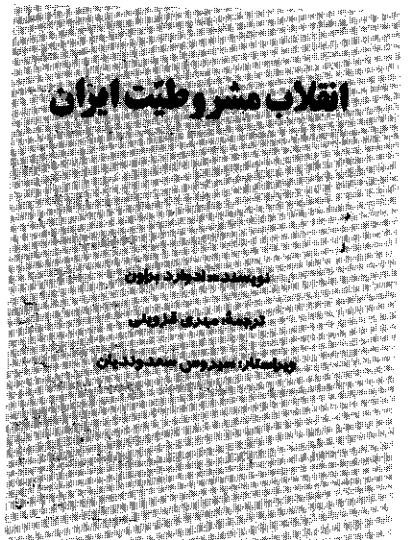
○ انقلاب مشروطیت ایران

○ تألیف: ادوارد براون

○ ترجمه: مهری قزوینی

○ ویرایش: سیروس سعدوندیان

○ ناشر: کویر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶، ۳۹۸ ص



از مهم ترین آثار براون، کتاب انقلاب ایران ۱۹۰۹-۱۹۰۵ می باشد که در سال ۱۹۱۰ تألیف شده است. این کتاب، به بررسی وقایع سیاسی ایران، مقارن با ایام مشروطه به استناد گزارشات و اخبار موجود می پردازد

براون با برخی از شخصیت های آزادیخواه ایرانی چون تقی زاده و شیخ احمد روحی، ارتباط داشته، مکتب‌اش با روحی از ۱۸ اکتبر تا ۳ ژانویه ۱۸۹۴ ادامه داشته و ارتباط مکتوبش با تقی زاده به طور مستمر تا زمان نوشتن کتاب و پس از آن نیز برقرار بوده است

در بسیاری موارد براون به نقد و رد اینگونه اظهار نظرهای غیرواقعی پرداخته که در صفحات بعد، بدان اشاره خواهد شد. منابع مورد استفاده براون در این نگارش را می توان به دو بخش تقسیم کرد:

- ۱- منابع خارجی
- ۲- منابع ایرانی

منابع خارجی شامل کتب و تألیفات اروپاییان در مورد تاریخ ایران، روزنامه های مختلف اروپایی، خاطرات و سفرنامه های مسافران به ایران، کتاب آبی و کتاب سفید می باشد.

در میان روزنامه ها، روزنامه تایمز، جای بیشتری را به خود اختصاص داده و یکی از مهم ترین منابع مؤلف در بررسی وقایع ایران از ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۶ به حساب می آید که براون به نقل اخبار و حوادث ایران به صورت کروئولوژیک از این کتاب پرداخته است. به

گفته وی، روزنامه تایمز به سبب داشتن فهرست موضوعی، سهل الوصول ترین نشریه در میان مطبوعات انگلیسی بوده و خواننده به راحتی می توانسته ذیل عنوان ایران، حوادث مربوط به این کشور را به طور مجزا دنبال نماید. عنوان روزنامه های دیگری که مورد استفاده قرار گرفته از جمله روزنامه های استاندارد وین، نوورمیای روسیه، منچستر گاردین، دیلی تلگراف و... می باشد.

براون علاوه بر روزنامه ها، از کتاب هایی که در اروپا راجع به تحولات شرق و از جمله ایران نوشته می شده، آگاه بوده و آنها را مطالعه می کرده است. نام برخی از آنها در کتاب آمده. که عبارتند از: اقتصاد معاصر ایران و مسائل مالی آن اثر لورینی

(La Persia Economica Contemporanea e la sua Questione Monetaria Rome ۱۹۰۰)

کتاب تاریخ سری اشغال مصر به دست انگلیس اثر ویلفرد بلنت

(Secret History of the English Occupation of Egypt)

که در آن موفق به یافتن مطالبی راجع به ایران و میرزا ملکم خان گشته است.

کتاب پنج سال در یک شهر ایران اثر ناپیر ملکم (Five Years in a Persian Town London ۱۹۰۵) کتاب دیگری که براون در بیان اتفاقات سال های آخر سلطنت ناصرالدین شاه، قیام تنباکو و حوادث دیگر از آن بهره گرفته، کتاب معروف دکتر فوریه، پزشک فرانسوی ناصرالدین شاه به نام سه سال در دربار ایران است که به گفته او روشنگری بسیاری از رخداد های پایتخت ایران، طی سه سال مدیون وجود این کتاب است.^۲

براون از اسناد و گزارشات کتاب آبی و سفید نیز در تحلیل های خود بهره گرفته و قسمت اعظم مطالب فصل هشتم و نهم متکی به این اسناد است. منابع ایرانی، روزنامه های عصر مشروطه که در داخل و خارج، توسط ایرانیان چاپ می شده، گزارشات مترجم در نامه هایی که از دوستان آزادیخواه ایرانی به وی می رسید.

متون و کتاب هایی که در ایران نوشته می شده، مانند تاریخ بیداری ایرانیان اثر ناظم الاسلام کرمانی را شامل می شده است.

براون، اطلاع دقیقی از کم و کیف روزنامه های فارسی داشته و به شناخت و تحقیق، پیرامون مطبوعات ایران علاقه مند بوده است. براون به گفته خود حدود هشت یا نه عنوان از جراید دوران مشروطه را منظمآ دریافت و مطالعه می نموده است. بیست و پنج جریده را نیز به اسم شناخته و شماره های پراکنده آن را در اختیار داشته است.^۳

براون با برخی از شخصیت های آزادیخواه ایرانی چون تقی زاده و شیخ احمد روحی ارتباط داشته. مکتب‌اش با روحی از ۱۸ اکتبر تا ۳ ژانویه ۱۸۹۴ ادامه داشته و ارتباط مکتوبش با تقی زاده به طور مستمر تا

زمان نوشتن کتاب و پس از آن نیز برقرار بوده است. این رابطه چنان گرم بوده که در واقعه کودتای محمدعلی شاه، وقتی تقی زاده به اروپا تبعید می شود براون به سراغ او می شتابد و برای وی شغلی در کتابخانه کمبریج دست و پا می کند تا بدان وسیله، امرار معاش نماید. در همین ایام، مکالمات روزمره بین آن دو در باب وقایع ایران صورت می گرفته و سخنرانی هایی نیز توسط تقی زاده در کمبریج ایراد می شده است.^۴

مسأله دیگر وجود دوستی است که اخبار وقایع اواخر سال ۱۹۰۶ و سال ۱۹۰۷ را به صورت مکتوب در اختیار براون گذاشته و او نیز آنها را عیناً نقل کرده است. این شخص که در بیان نام و مشخصات وی تنها به ذکر «دوست مکاتبه ای» اکتفا می شود اخبار ایران، به ویژه پایتخت را که متکی به مشاهدات شخصی و مطالعه روزنامه هاست، جزء به جزء توضیح داده و به براون می سپارد. شخص مزبور می تواند یک ایرانی شاغل در سفارت بریتانیا و یا یک رجال دولتی- ملی باشد و چنانچه از محتوای قلمش پیداست یک مشروطه خواه است.

براون جز یک سالی که در ایران سپری کرده (۱۸۸۸) حداقل تا زمان نوشتن اثر حاضر، دیگر به ایران نیامده است.^۵ به همین خاطر نمی توانسته، شخصاً و به وضوح نظاره گر رخداد های ایران از نزدیک باشد چنانکه خود نیز، بدان معترف است و آن را نقص کار خویش بر می شمرد^۶ با این حال متذکر می شود که بسیاری از عوامل اصلی این رویدادها را دیده و با آنان گفتگو کرده است.

وی همچنین در مورد روش کار خود می نویسد: «گرچه به لحاظ مشکلات یک پژوهش کامل و نقد بی طرفانه رویداد های معاصر، جرات آن را ندارم که این کتاب را تاریخ بنامم، طبیعی است کوشیده ام نخست تمام اطلاعات موجود و قابل دسترس را گردآوری، تطبیق و ارزیابی کرده سپس حاصل یافته های خود را در حد توان صادقانه انجام دهم.»^۷ کتاب در یازده فصل به همراه دو ضمیمه که اولی شامل ۲۵ یادداشت بلند و کوتاه بوده و دومی در بیان احوال میرزا رضای کرمانی است تنظیم شده و فصول آن به قرار زیر است:

پیشگفتار

فصل اول: سید جمال الدین پیشوای اتحاد

اسلام

فصل دوم: امتیاز تنباکو و نتایج آن

فصل سوم: ترور ناصرالدین شاه

فصل چهارم: اعطای مشروطیت توسط مظفرالدین شاه

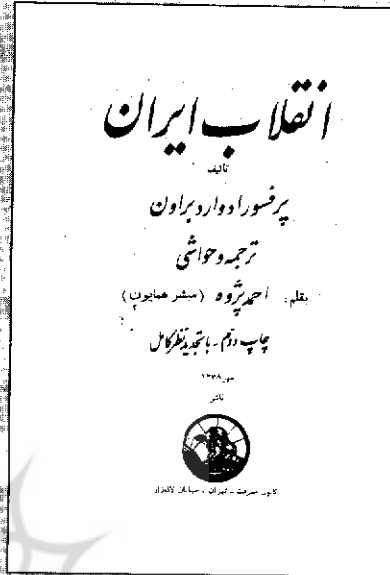
فصل پنجم: محمدعلی شاه و مشروطیت

فصل ششم: موافقتنامه روس و انگلیس از

دیدگاه ایران

فصل هفتم: کودتای ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ و انهدام

نخستین مجلس



زبان «الصباح» رجوع می‌کند. در مقاله مذکور امتیاز تنباکوی ایران با امتیاز تنباکوی ترکیه مورد مقایسه قرار گرفته و چنین نتیجه‌گیری شده بود که قرارداد ایران کاملاً یک طرفه و به ضرر منافع ملی ایران بوده است. در حالی که ترک‌ها قرارداد را با شرایط بسیار بهتر از ایران منعقد کرده و امتیاز کمتری به خارجی‌ها داده‌اند. براون در اعتراض به این قرارداد، با ایرانیان وطن‌پرست همگام می‌شود. نقل می‌کند یکبار از سوی شرکت تنباکو، دعوتنامه‌ای برای همکاری به نزد او فرستاده می‌شود و وی که با مطالعه «روزنامه اختر» نسبت به ماهیت قرارداد اطلاع پیدا کرده بود پاسخ منفی داده و همکاری با ایشان را نمی‌پذیرد و این نکته‌ای است که در تمامی عمر سپاسگزار آن بوده است.^۱

براون در فصل مربوط به قتل ناصرالدین شاه به بررسی نظرات روزنامه‌های اروپایی و انگلیسی از

براون به افکار و اقدامات سید جمال‌الدین به دیده تحسین نگریسته و نهضت مشروطه ایران را تا حد زیادی مرهون او می‌داند. وی به اختلاف نظرهای موجود در باب اصل و تبار سید جمال‌الدین اشاره کرده نظر قاطعی در این مورد ارائه نمی‌دهد. اما در شرح زندگی سید جمال، اساس را بر گفته خود سید که افغانی و زاده روستای اسعدآباد کابل است (و نه ایرانی، اهل اسدآباد همدان) قرار می‌دهد.

دکتر فوریه فرانسوی در کتاب خود، لغو امتیاز تنباکو را سرآغاز بیداری ملی ایرانیان عنوان کرده، این امر را موجب وارد آمدن لطمه‌ای عظیم به حیثیت انگلستان می‌داند و بر این باور است که در همان ایام «متأسفانه در این واقعه اسفبار نقشی در خور تحسین ایفا ننموده»^۲

براون در تحلیل امتیاز تنباکو و در بررسی زبان‌ها و لطمات این قرارداد به مقاله مندرج در روزنامه ترکی

فصل هشتم: دفاع تبریز

فصل نهم: سقوط تبریز و قیام ایالات

فصل دهم: پیروزی ملیون، کناره‌گیری

محمدعلی شاه و اعاده مشروطیت

فصل یازدهم: جلوس سلطان احمدشاه و دعوت

از مجلس دوم

در فصل اول، براون به طور مفصل به زندگی و

شخصیت سید جمال‌الدین اسدآبادی پرداخته،

انگیزه‌ها و آمال او را مورد ارزیابی قرار داده است.

براون معتقد است سید جمال‌الدین درصدد تحقق

اتحاد اسلام، تحت مرکزیت سلطان عثمانی بوده و او

را عامل اصلی و غیرمستقیم در قتل ناصرالدین شاه

دانسته، معتقد است نامه سید جمال‌الدین به میرزای

شیرازی، منجر به صدور فتوای تحریم تنباکو شده

است. این نامه معروف عیناً در کتاب، آورده شده

است.

جمله تایمز، منچستر گاردین، یاپونیر، استاندارد وین، دیلی تلگراف و مورنینگ پست می‌پردازد.

بسیاری از روزنامه‌نگاران در آغاز کار فکر می‌کردند یک نفر بانی قاتل ناصرالدین شاه بوده است. براون که مخالف این نظر بود با نوشتن مقالاتی چند در برخی از روزنامه‌ها به تکذیب این امر می‌پردازد. وی طی مقالاتی که یک ماه پس از حادثه قتل شاه در روزنامه نیوریویو (مورخ ژوئن ۱۸۹۶) به چاپ رسانید، اینگونه نتیجه‌گیری نمود که سید جمال‌الدین درصدد اتحاد اسلام و دفع تجاوز تدریجی اروپاییان به شرق بوده و بیان داشته هر مسلمان مقتدر که گسترش غرب را در قلمرو خود ترغیب کند، از سوی طرفداران این نهضت، دشمن قلمداد می‌شود. بنابراین ناصرالدین شاه، به جهت پیروزی‌های پی در پی سیاست روس و انگلیس در ایران، بهایی تلقی می‌شده است.^{۱۱}

با همین دیدگاه نظر روزنامه منچستر گاردین که مسوول رقابت دیرین روس و انگلیس را مرگ شاه می‌دانست، درست می‌انگارد.

فصل مربوط به اعطای مشروطیت با روایت اوضاع سیاسی حاکم بر ایران از جمله رقابت امین‌السلطان و امین‌الدوله، سفرهای شاه به فرنگ، رقابت روس و انگلیس در کسب منافع اقتصادی، استقرارهای ایران شروع می‌شود. وی در تبیین عوامل تشدید کننده نارضایتی و اعتراض مردم، به بیان ولخرجی‌های رو به رشد شاه، ناخترسندی از تعرفه‌های جدید بلژیکی‌ها، عدم رضایت از استثمار کشور توسط اربابان، امتیازات خارجی و ناخشوندی از استبداد عین‌الدوله و حکومت ظالمانه والیان ایالات می‌پردازد. پس از آن به حوادثی که منجر به تحصن علما در عبدالعظیم و قم و بست در سفارت انگلیس گردید اشاره می‌کند.

نکته مهمی که در این بین می‌توان بدان اشاره کرد این که براون بست سفارت انگلستان را پراهمیت‌تر از تحصن علما در قم تلقی می‌کند. او معتقد است بست نشستن مردم در سفارت بریتانیا شیوه‌ای موفقیت‌آمیز برای حصول به هدف بود و شاه سر آخر به علت فشار بست‌نشینان سفارت مجبور به عزل اتابک و نصب مشیرالدوله به ریاست وزرایی و در نهایت اعلام مشروطه شد.

براون همواره در تلاش است به نوعی نقش دولت انگلستان را در رابطه با نهضت مشروطه ایران تأثیرگذار و مثبت جلوه دهد. به همین خاطر حوادثی را که انگلستان نقش اندکی در ایفای آن داشته، بزرگ‌تر از واقع جلوه می‌دهد.

در فصل بعد «تحولات ایران پس از اعلان مشروطه تا کودتای نافرجام دسامبر ۱۹۰۷» بررسی می‌گردد. از جمله این حوادث تأسیس بانک ملی، مصوبات مهم مجلس اول، کارشکنی‌های شاه علیه مشروطه و قیام تبریز علیه رحیم‌خان و رویدادهای مربوط به کودتا می‌باشد.

براون در این فصل نظرات خود را در مورد روحانیت و نقش آن در مشروطه بیان می‌کند. او روحانیون ایران را همانند کشیشان ایرلندی، قشری اساساً مردمی می‌داند که از مردم برخاسته، مردم را می‌شناسند و اگر چه به بدعت‌های حکومتی مظنونند اما به دخالت خارجی از آن هم بدگمان‌ترند.^{۱۲}

براون پس از اشاره به نقش مؤثر روحانیت و رهبران روحانی چون سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی، سخنی تأمل برانگیز به زبان می‌آورد: «اگر این نهضت توفیق یابد تقریباً و حتماً روحانیت را لاقلاً از بخش عمده‌ای از نفوذ و قدرتش محروم خواهد ساخت.»^{۱۳} این همان نظری است که «دوست مکاتبه‌های اش» نیز، بدان تأکید می‌کند. موضوع دیگر که وی در بحث از روحانیت بدان توجه کرده، نقش شیخ فضل‌الله نوری است که ممکن است برخی افراد، نظرات براون را در این رابطه یکسویه بدانند. باید پذیرفت که براون نیز همانند بسیاری از صاحب‌نظران هم عصر خود چون ناظم‌الاسلام، تقی‌زاده، شیخ ابراهیم زنجانی و کمی بعد گسروی و بی‌شماری از آزادیخواهان دیگر تحت تأثیر جو غالب آن دوره، نظر خوشی نسبت به این روحانی مشروعه‌خواه نداشته و او را عامل دربار و شاه معرفی می‌کند.

توافقنامه ۱۹۰۷ انگلیس و روسیه:

براون با تأثیر منفی این قرارداد در ذهنان و افکار عمومی ایرانیان و نقش آن در لطمه به استقلال اقتصادی و سیاسی ایران به خوبی آگاه بود. وی برای معرفی دقیق، آشکار کردن اهداف طرفین امضاکننده و پیامدهای آن در سرنوشت ایران به مقالات حبل‌المتین متکی شده است. حبل‌المتین طی چهار مقاله وزین، از چهار منظر، به بررسی قرارداد پرداخته، عین مقاله‌ها را که اغلب منعکس کننده اهداف خصمانه روس و انگلیس در ایران است در کتاب خود می‌آورد.

براون در مقاله چهارم به نقل نامه وزیر مختار بریتانیا در تهران به وزارت خارجه ایران به جهت رفع سوءظن ایرانیان نسبت به قرارداد پرداخته، اظهار امیدواری می‌کند که این نیت وزارت امور خارجه بریتانیا حقیقت داشته و به تحقق پیوندد. سپس به صورت غیر مستقیم اهداف انگلیس از عقد قرارداد را بیان می‌کند: «باید به خاطر داشت که بسیاری از ایرانی‌ها و تعدادی نه چندان کم از سیاستمداران روسیه معتقدند که انگیزه ما دارای ماهیتی به مراتب مظلون‌تر بوده و اظهار می‌دارد که هدف واقعی بریتانیا جلوگیری از گسترش عقاید مشروطه‌خواهی در آسیا - به خاطر نفوذ احتمالی بر هند و مصر - ضعیف نگه داشتن و سر در گم ساختن ایران در حفظ وضعیت متروک و فاقد جمعیت آن ایالاتی از ایران (کرمان و سیستان) بوده که در نزدیکی مرز هند قرار داشت.»^{۱۴}

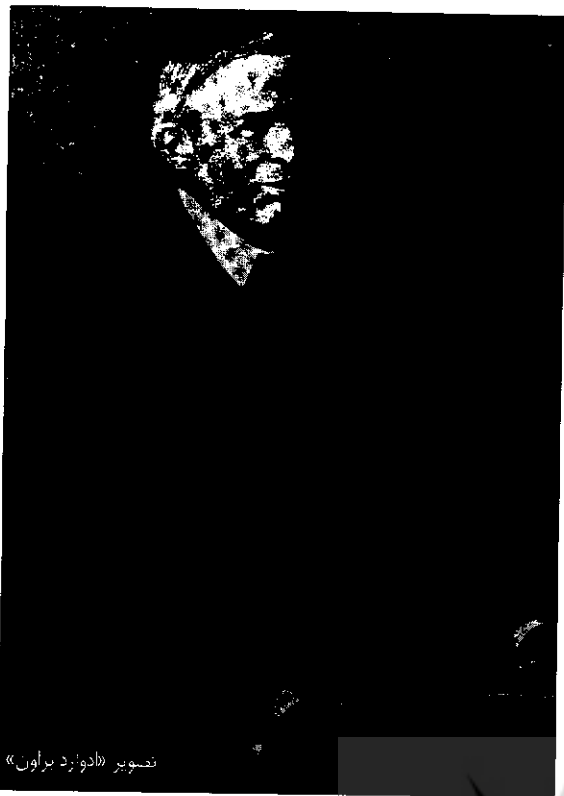
براون، اطلاع دقیقی از کم و کیف روزنامه‌های فارسی داشته و به شناخت و تحقیق، پیرامون مطبوعات ایران علاقه‌مند بوده است. براون به گفته خود، حدود هشت یا نه عنوان از جراید دوران مشروطه را منظمأ دریافت و مطالعه می‌نموده است. بیست و پنج جریده را نیز به اسم می‌شناخته و شماره‌های پراکنده آن را در اختیار داشته است

ادوارد براون، علت سکوت دولت انگلیس در برابر سیاست سرکوبگرانه روسیه در ایران را فراهم نمودن زمینه مساعد برای تحقق قرارداد ۱۹۰۷ و حفظ روابط دوستانه با روسیه می‌داند. دخالت‌های روسیه در سرکوب مشروطه‌خواهی ایران را نادیده گرفته و آنها را به گونه‌ای توجیه می‌کند تا لطمه‌ای به رابطه با روسیه نخورد، امکان تحقق هر چه بیشتر قرارداد ۱۹۰۷ فراهم گردد.

در فصل «کودتای محمدعلی شاه و انهدام مجلس» ذکر روایتی مشروطه‌خواهان با شاه و عوامل او، تلاش آزادیخواهان به جلوگیری از تصادم با شاه و مقدمه‌چینی‌های دربار برای به توپ بستن مجلس می‌پردازد. آنگاه به چهار گزارش محرمانه مبنی بر دست داشتن حکومت روسیه در کودتای به توپ بستن مجلس اشاره می‌کند. براون با نقل گزارشات محرمانه کنل لیاخوف به فرمانده خویش در قفقاز، درصدد است پوچی اظهارات حکومت روسیه را مبنی بر عدم دخالت حکومت روسیه در به توپ بستن مجلس و اقدام خودسرانه کنل لیاخوف ثابت نماید.

او تمامی سخنان پانوف - روزنامه‌نگار آزادیخواه روسی - را که افشاکنده این اسناد بود نقل کرده به بیان نقش و جایگاه نیروی قزاق، و تقیل هزینه سالانه ایشان توسط دولت ایران (معادل ۴۶/۰۰۰ پوند) اشاره می‌نماید.

براون همچنین درباره سیاست انگلستان در این زمان نیز مطالب صریحی را بیان می‌کند. او هیأت نمایندگی بریتانیا را متهم می‌کند به اینکه در نهایت مشروطه‌خواهان را به حال خود رها کرد اگر چه در



تصویر «ادوارد براون»

براون جز یک سالی که در ایران
سپری کرده (سال ۱۸۸۸)
حداقل تا زمان نوشتن اثر حاضر،
دیگر به ایران نیامده است.
به همین خاطر نمی توانسته،
شخصاً و به وضوح نظاره گر
رخدادهای ایران از نزدیک باشد،
چنانکه خود نیز، بدان معترف است
و آن را نقص کار خویش
برمی شمرد

که در برخی موارد بی اهمیت و فاقد ارزش سندی است تنها به اطالعه کلام می انجامد. روشی که در فصل بعدی نیز در پیش گرفته می شود. در این فصل شرح فتح تهران و حوادث آذربایجان تا جلوس احمدشاه آورده شده است.

براون به انتقاد از اعزام نیروهای بی شمار روسی از قفقاز به آذربایجان و رشت، بی اهمیت جلوه دادن اعزام نیروهای بریتانیا به جنوب کشور، ستایش از سیاست انگلستان در این مقطع پرداخته و می گوید: «به نظر می رسد عدم تمایل سر ادوارد گری به دخالت [در جنوب ایران برای اخراج سید مرتضی یاعی] تمایلی صادقانه و اصیل بوده است تا آنجا که من اطلاع دارم اعزام یک نیروی کوچک بریتانیایی جهت تقویت گارد کنسولی در شیراز در ۲۶ ژوئیه ۱۹۰۹ تنها مورد دیگری از دخالت انگلستان در این دوره است.»^۷

آخرین فصل اخبار مربوط به حوادث پس از فتح، از جمله خلع محمدعلی شاه، تشکیل کابینه موقت، اعدام مخالفین برجسته، بازگشایی مجلس دوم و... ذکر می گردد.

نتیجه:

کتاب تاریخ انقلاب ایران نوشته ادوارد براون به دلیل داشتن پاره‌های ویژگی‌ها، از اهمیت خاصی برخوردار است. اولاً این کتاب یکی از متون دست اول تاریخ مشروطه می باشد و از معدود متونی است که تاریخ نگارش آن تا این اندازه نزدیک به رویدادهای مورد بحث است. در عین حال این ویژگی می تواند نوعی نقص هم به حساب آید چرا که هنوز

مقتدر، وجود دولت عثمانی و بحران‌های متعدد، آن دو کشور را به توافق‌های اجباری سوق داده و رقابت و نفرت دول انگلیس و روسیه، متجر به انزجار اشخاصی چون براون از رفتار سرکوبگرانه و غیرانسانی روسیه در داخل و خارج گردید.

براون در فصل هشتم (دفاع تبریز) به نقل از اخبار و حوادث تبریز پرداخته، مبارزه تبریز را به سه مرحله متمایز تقسیم و اوج موفقیت دفاع را در مرحله دوم می داند که مدافعین، کنترل قسمت اعظم شهر را در دست داشتند. از جمله موضوعات دیگر مطرح شده در این فصل مساله حرکت قوای روسیه به طرف آذربایجان به بهانه حفظ جان اتباع خارجی و جلوگیری از وارد شدن زیان به تجارت روسیه و تلاش وزارت خارجه انگلیس برای متوقف کردن حرکت روس‌ها به ایران است.

در فصل نهم، نگرانی میلیون از ورود سربازان روسی به ایران، فشار انگلیس و روسیه به شاه برای اعاده مشروطیت، فعالیت ایرانیان آزادیخواه در خارج از کشور و در نهایت مقدمات فتح تهران و حوادث دیگر مورد بحث قرار می گیرد. چنانچه گفته شد بیشتر مطالب این بخش متکی به گزارشات کتاب آبی و کتاب سفید است.

براون در این قسمت کتاب به تجاوزات روس‌ها و آزار و اذیت مردم تبریز مفصلاً اشاره کرده و ۳۶ مورد شکایات مردم تبریز از بدرفتاری روس‌ها هنگام حضور در تبریز را عیناً نقل می کند. قابل توجه این که براون بیش از حد به این مسأله می پردازد و علت این تطویل، همان نفرت از روس در وجود اوست. ذکر چندین گزارش روزانه شبیه به هم و آوردن روایاتی

تابستان ۱۹۰۶ از آنها حمایت کرده بود.^۸ موضع انگلستان در کودتای محمدعلی شاه، از نظر براون دفاع از روسیه است. وی همچنین نشان می دهد که وزارت خارجه انگلیس و به تبع آن روزنامه تایمز سعی بر مبرا کردن روسیه از این اقدام ضد مردمی داشته، انهدام مجلس و پایان مشروطه را نتیجه عملکرد خود مشروطه و مجلس دانسته و درصدد انکار نقش روسیه در این رابطه بودند. براون از موضع این روزنامه‌ها انتقاد کرده، به بررسی انگیزه‌های واقعی چنین سختانی پرداخته و به هر یک از اتهامات، پاسخی روشن می دهد.

سرانجام براون یکبار دیگر، از زبان «دوست انگلیسی» نارضایتی خود را از همکاری دولت انگلیس با روسیه اعلام می دارد: «بین افراد انگلیسی که ایرانیان را می شناسند هیچ گونه اختلاف عقیده‌ای وجود ندارد آیا نمی توان عقیده عمومی را در انگلستان برانگیخت یا شاید انگلستان هنوز آنچنان دچار ترس از آلمان است که باید به معامله با حکومتی آن چنان وحشتناک چون روسیه تن به معامله دهد.»^۹

ناگفته نماند که براون در فصل‌های مختلف کتاب خواسته و ناخواسته تمایلات شدید ضد روسی خود را بروز می دهد. احساسات خصمانه براون نسبت به روس‌ها تنها به خاطر رفتار آن دولت با ایران نیست بلکه علت اصلی‌اش به نفرت عمومی‌ای که در انگلستان نسبت به روسیه شایع است برمی گردد، روسیه نه برای سیاستمداران انگلیسی و نه برای آزادیخواهان جالب و جذاب نبود. از طرفی این مقطع زمانی، دوره اوج رقابت‌های آشکار و پنهان روس و انگلیس است. برخی مسائل چون ظهور آلمان

هیجانانقلاب فروکش نکرده و مؤلف در قضاوت خود تحت تأثیر جو حاکم بوده است. برخی از اظهارنظرهای کتاب به دلیل محدود بودن تنوع منابع و وابستگی مؤلف به جریان فکری خاصی که فراگیر و حاکم بوده عجولانه صورت گرفته است. اما این موارد از اهمیت کتاب نمی‌کاهد. مؤلف علی‌رغم برخی محدودیت‌ها در دسترسی به منابع، تلاش نموده متنی مستند و قابل اعتماد تنظیم نماید که حتی امروز هم محققان تاریخ مشروطه در مطالعات خود از مراجعه بدان ناگزیرند.

مطلب در خور توجه اینکه مؤلف یک انگلیسی و غیر ایرانی است و قسمت اعظم منابع مورد استفاده وی نیز، خارجی بوده است به این ترتیب این کتاب برای آگاهی از نگرش و واکنش برخی جریان‌های اروپایی به ویژه محافل و روزنامه‌های انگلیسی نسبت به انقلاب مشروطیت تا اندازه‌ای می‌تواند مفید باشد. تا زمانی که اسناد رسمی ترجمه و چاپ نشده و جراید مربوطه بررسی و گردآوری نگشته بود این کتاب به مراتب مهم‌تر از اکنون به حساب می‌آمده است. اما آیا براون در تحلیل وقایعی که به نوعی مرتبط با انگلستان نیز بوده، جانب حقیقت و انصاف را رعایت نموده است یا نه؟ مسأله مهمی است که توجه ایرانیان را به خود جلب کرده است.

براون انسانی لیبرال، علاقه‌مند به مفاهیمی چون عدل، آزادی، حقوق انسانی و مخالف با سیاست‌های ظالمانه‌ای بود که از سوی دولت‌های اروپایی نسبت به نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر دنیا از جمله ایران اعمال می‌شد. نقل شده است که در سال ۱۸۷۷ هنگامی که میان روس و عثمانی جنگ درگرفته، احساسات وی در حمایت از عثمانی چنان برانگیخته شد که تصمیم به فراگیری زبان ترکی گرفت و این نقطه آغاز علاقه‌مندی وی به زبان‌های شرقی بود.

علاقه براون نسبت به فرهنگ و تاریخ ایران بیش از فرهنگ‌های دیگر بود و طبعاً در رابطه با وقایع سیاسی این کشور نیز حساسیت بیشتری داشت. او یکی از مؤسسين کمیته ایران در لندن بود که هدف و زمینه فعالیتش در راستای حمایت از نهضت مشروطه ایران بود.

علامه قزوینی که از دوستان نزدیک براون به شمار می‌رفته مدعی است براون با مقالات و سخنرانی‌های خود در محافل سیاسی انگلیس به تقبیح سیاست سازشکارانه دولت انگلیس در قبال روسیه پرداخت و با تأثیر بر افکار عمومی و جلب نظر عناصر روشن‌بین مجلس، دولت انگلیس را تحت فشار قرار داد تا به سیاست خود با روس‌ها و در روشی که نسبت به ایران در پیش گرفته بود تجدید نظری کند.^{۱۸}

ادوارد براون در فصل مربوط به سقوط تبریز تلگرافی را نقل می‌کند که از تقی‌زاده دریافت کرده و

تا حدودی تأکید کننده مطلب فوق است. متن تلگراف چنین است: «کنسول‌ها تصمیم به گشودن جاده‌ها برای کمک به سربازان روسی گرفته‌اند. بترسیم از نتایج اشغال روسیه. خواهشمندیم اقدامات ضروری انجام گیرد. نظر خود را فوراً تلگراف کنید.» انجمن ایالتی تقی‌زاده مورخ ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

آنچه با مشاهده این تلگراف می‌توان حدس زد این است که براون در تغییر و اتخاذ برخی سیاست‌های دولت متبوع خود اثرگذار بوده است. تردیدی نیست وی علاوه بر برخورداری از مقام شامخ علمی فرهنگی، یک مشاور سیاسی در امور مربوط به دولت ایران و یک متخصص در وزارت خارجه - البته نه کاملاً هم رای با همکارانش - هم محسوب می‌شده است.

در انگلیس و سایر کشورهای اروپایی کمتر خاورشناس و ایران‌شناسی را می‌توان یافت که به نوعی به مأموریت سیاسی نرفته و یا طرف مشورت سیاستمداران قرار نگرفته باشد. اگر چه وجود این خصیصه در ادوارد براون بسیار ضعیف است اما به هر حال او یک انگلیسی و حامی منافع دولت متبوع خود است.

براون از یک سو تلاش می‌کند دولت انگلستان را به اتخاذ سیاست‌های بشر دوستانه در ایران وادارد، از سوی دیگر درصد است نگرش ایرانیان را نسبت به دولت انگلستان تصحیح کرده و لطامت این سیاست‌ها را کاه اهمیت جلوه داده، به جانب روس متمایل کند.

روشی که او در اعتراض به سیاست‌های امپریالیستی دولتش در ایران پیش می‌گیرد روشی آرام و مبتنی بر توصیه است. براون نقش انگلیس در امور ایران را اندک دانسته و در جایی می‌گوید: «من تصور می‌کنم اکثر ایرانیان نسبت به طرح‌های شوم در مورد تمامیت ارضی و استقلال کشورشان از سوی انگلیس سوءظن جدی نداشته باشند» و تنها اشکال سیاست انگلیس را سکوت به نفع روسیه و به ضرر ایران عنوان می‌کند.

گویا براون قرارداد ۱۹۰۷ را که موجب از بین رفتن موجودیت یک ملت و دولت شده فراموش کرده و سیاست انگلستان را تنها تا سال ۱۹۰۶ به یاد دارد. بر کسی پوشیده نیست که حمایت ناخواسته و حتی آزادی انگلستان در سال ۱۹۰۶ (اوایل دوره مشروطیت) کاملاً در راستای تأمین منافع سیاسی و اقتصادی خود بوده تا اینکه اقدامی دلسوزانه برای ترقی ایران باشد.

سیاست‌های اعمال شده انگلیس در سال‌های بعد، از جمله قرارداد ۱۹۱۹ و **توق‌الدوله** و کارشکنی علیه ایران در صلح ورسای، روی کار آوردن رضاخان و سقوط قاجار در حقیقت ادامه پروژه‌های زمان مشروطیت ایران می‌باشد. براون در عوض انتقاد از دولت خود، به روزنامه‌ها به ویژه تایمز تاخته در

جاهای مختلف و به مناسبت‌های گوناگون بدان حمله می‌کند و آن را به داشتن رویه خصمانه و توهین‌آمیز^{۱۹} و عدم همدردی و بی‌اعتقادی نسبت به جنبش مردمی ایران متهم می‌کند.

به هر ترتیب در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که براون نسبت به نهضت ایران رویکردی مثبت داشته و در میان خاورشناسان و ایران‌شناسان به ویژه انگلیسی‌ها معدود افرادی مانند او و به درجه او منصف هستند. براون در عین حال که از یک سو حق مطلب را در مورد سیاست‌های خصمانه دولت خود ادا نمی‌کند؛ اما از سوی دیگر هیچگاه به دفاع از سیاست انگلیس نپرداخته و خواستار سربلندی ایران و سعادت در خور ملت آن است. چرا که معتقد است: «محو شدن ایران از جرگه دولت‌های آزاد دنیا نه تنها زیانی است که بر خود ملت و کشور وارد می‌آید که خسران عظیمی است که بر نژاد بشر می‌رسد.»^{۲۰} و به صراحت متذکر می‌شود که شرط خارجی رستگاری ایران این است که دو همسایه قدرتمند روس و انگلیس نباید بر سر راه مبارزات این کشور قرار گیرند یا آن را خستی نمایند.^{۲۱}

پی‌نوشت:

- ۱- براون، ادوارد: انقلاب مشروطیت ایران، ص ۱۹.
- ۲- همان، ص ۳۲۰.
- ۳- همان، ص ۶۲.
- ۴- همان، ص ۱۳۳.
- ۵- همان، ص ۳۱۴.
- ۶- ناشر در مقدمه کتاب یکی از شیوه‌های دستیابی به اخبار و اطلاعات مربوط به مشروطه را اقامت چندین ساله او در ایران می‌داند در صورتی که چنانچه گفته شد براون حداقل تا ۱۹۱۰ یعنی زمان نوشته شدن کتاب، تنها یکبار به ایران آمد و تنها یکسال ماند.
- ۷- همان، ص ۱۹.
- ۸- همان، ص ۱۱.
- ۹- همان، ص ۶۷.
- ۱۰- همان، ص ۶۲.
- ۱۱- همان، ص ۱۰۳.
- ۱۲- همان، ص ۱۵۰.
- ۱۳- همان، ص ۳۱۲.
- ۱۴- همان، ص ۱۸۷.
- ۱۵- همان، ص ۱۹۹.
- ۱۶- همان، ص ۳۲۴.
- ۱۷- همان، ص ۲۸۳.
- ۱۸- قزوینی، محمد: بیست مقاله، تهران، ۱۳۳۲ هـ. ش جلد دوم، ص ۲۹۲.
- ۱۹- انقلاب مشروطیت، ایران، ص ۳۲۱.
- ۲۰- همان، ص ۳۱۰، ص ۲۵۲.
- ۲۱- مینوی، مجتبی: ادوارد براون و خدمات او به ایران، روزگار نو، شماره ۲، پاییز ۱۹۴۱، ص ۱۷.
- ۲۲- انقلاب مشروطیت ایران، ص ۳۲۰.